

14 اپریل 2020

داکتر سید عبدالله کاظم

## پاسخ به یک سوال

11.04.2020 کابل: تاریخ: جلال کابلی محل سکونت

داکتر صاحب سید عبدالله کاظم سلام علیکم، امید که صحت و سلامت باشید. سوال دارم لطف کرده بنده را رہنمائی کنید. علت تاخیر در به رسمیت شناختن پاکستان از طرف حکومت وقت افغانستان به چه دلیل بود و آیا خان عبدالغفار خان و یا هم هندوستان در آن نقشی داشتند و اگر نداشتند چرا دلیل تاخیر؟ شاه محمود خان صدراعظم کشور در همان دوره تاریخ بودند.

برای جواب به سوال فوق لازم است نگاه مختصر به گذشته موضوع انداخت:

- 1 - از نظر تاریخی مسأله از دست رفتن سرزمین های مفتوحه امپراتوری درانی بطرف شرق مسمی به "ولایات شرقی" در طول سالهای متمادی در جریان "بازی بزرگ" یک واقعیت تلخ تاریخی است که قدم قدم طی چند مرحله بوسیله قوای برتانوی چه بوسیله توریید فشار درامضای موافقتنامه ها و چه از طریق الحاق بالقوه یک تعداد ولایات شرقی افغانستان از بدنه کشور جدا گردید، تا آنکه مرحله نهائی آن در عهد سلطنت امیر عبدالرحمن خان با امضای قرارداد دیورند به شکل امروزی آن درآمد.
- 2 - از آنوقت تا امروز در طول دوره های مختلف ادعای ارضی بر "ولایات شرقی" از طرف حکومت افغانستان رسماً مطرح نگردید و نه در زمینه اقداماتی صورت گرفت.
- 3 - پس از درگیری جنگ جهانی دوم، جنبش های آزادیخواهی در نیم قاره هند کسب شدت کرد. فعالیت های حزب کانگرس در هند جهت رهائی از استعمار دوصد ساله برتانیای از یکطرف و در عین زمان تلاش برتانیای در بقای نفوذش در منطقه با تقویه و هموائی حزب مسلم لیگ در راس آن محمدعلی جناح از طرف دیگر این احساس را ایجاد کرد که بعد از ختم جنگ، نیم قاره هند به دو کشور تقسیم خواهد شد و ساحات پشتون نشین ماورای خط دیورند به یکی از این دو کشور تعلق خواهد گرفت. درک این موضوع احساس دولت افغانستان را برانگیخت تا قبل از آنکه این تقسیم صورت گیرد، بر موقف اغماض و سکوت دیرینه سیاست افغانستان در رابطه با سرنوشت پشتونهای ماورای سرحد تجدید نظر کند و از حالت بیتفاوتی برآید و اقداماتی را رویدست گیرد.
- 4 - باید اذعان کرد که حکومت افغانستان در مدت تقریباً پنج سال (از 1943 تا 1947) که مقدمات تقسیم نیم قاره بین هند و پاکستان مطرح بحث بود، کوشید تا برای تثبیت حق خود ارادیت و تعیین سرنوشت پشتونهای ماورای سرحد از طریق دیپلماتیک با حکومت برتانیای به تماس شود، اما این مذاکرات و ارسال دو نامه رسمی به آنها به مثابه داستان تکراری در آمد که نتیجه مشخص بار نیارود، زیرا حکومت انگلیس با طال و طول عمدی همیشه میکوشید تا موضوع سرنوشت پشتون های ماورای سرحد را مربوط به پاکستان وانمود سازد و توصیه میکرد که افغانستان باید در زمینه با حکومت پاکستان داخل مذاکره شود و اما حکومت افغانستان دست از دامن برتانیای بر نمیداشت. این

د پانو شمیره: له 1 تر 5

افغان جرمن آنلاين په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټينگه کړئ [maqalat@afghan-german.de](mailto:maqalat@afghan-german.de)

پاډونه: دليکني د ليکنيزي بني پازوالي د ليکوال په غاړه ده ، هيله من يو خپله ليکنه له راليرلو مخکي په خير و لولي

وضع سر درگم تا وقتی دوام پیدا کرد که ريفراندمی بوسیله انگلیس ها رویدست گرفته شد و تقسیم نیم قاره به دو کشور هند و پاکستان عملی گردید.

5 - از ادامه همچو مذاکرات بی نتیجه چنین استنباط میگردد که برتانیه برای کمائی کردن وقت نماینده سیاسی افغانستان را با حرفهای "هوائی" مصروف ساخته و از دادن جواب لازم در زمینه طفره میرفت، تا آنکه صدراعظم برتانیه کلمنت اتلی در ماه فبروری 1947 تصمیم حکومتش را مبنی بر ترک نیم قاره اعلام کرد و به همین منظور لارڈ مونت بتن Lord Mountbatten را بحیث آخرین ویرای تعیین کرد تا میکانیزم عملیه را سر به راه کند.

6 - روز 13 سرطان 1326 (3 جون 1947) روزتاریخی است که نیم قاره هند به دو کشور هند و پاکستان تقسیم گردید و بجای هند برتانوی کشور جدید التتشکیل پاکستان بتاريخ 14 جون 1947 مرکب از مناطق پشتونستان محکوم، بلوچستان، سند، پنجاب در غرب وبنگال در شرق هند بوجود آمد و در همسایگی افغانستان قرار گرفت. این تقسیم به اساس ريفراندمی صورت گرفت که در جوار صندوق پاکستان قرآن مجید و در جوار صندوق هندوستان کتاب "گرنگ" را گذاشتند. لذا به مردم پشتونستان این حق را ندادند تا در این ريفراندم درمورد سرنوشت خود اتخاذ تصمیم کنند که آیا میخواهند زیر سلطه پاکستان باشند، یا برای خود یک دولت مستقل را تشکیل نمایند و یا اینکه خواستار پیوستن با برادران خود در افغانستان شوند. انگلیس ها احساسات مسلمانان هند و نیز پشتونهای ماورای دیورند و بلوچ ها را به بازی گرفتند و تنها کمتر از نصف پشتونها، آنهم صرف پشتونهای جوار "سرحد اداری" در این ريفراندم اشتراک نمودند و به حرمت کلام الله مجید به نفع پاکستان رأی دادند.

7 - در همین موقع مردم پشتونستان آرام نگرفتند و به احتجاج پرداختند. در 21 جون 1947 به تعقیب اعلامیه انگلیس مبنی بر تخلیه هند، جرگه عظیمی را در "بنو" برپا نمودند که در آن نمایندگان تمام پشتونستان اعم از آزاد، محکوم و بلوچستان به شمول احزاب خدائی خدمتگاران، جمعیت العلمای سرحد و زلمی پشتون شرکت کردند و فیصله نمودند که: "پشتونها نه هند میخواهند و نه پاکستان، بلکه میخواهند درین کشور یک حکومت آزاد پشتون براساس جمهوریت اسلامی تشکیل شود". برای تحقق همین هدف تعداد کثیر جوانان زلمی پشتون (بیش از 20 هزار نفر) حاضر شدند جانهای خود را فدا کنند، لکن خان عبدالغفار خان به تاسی از سیاست عدم خشونت گاندی مانع آنان شد.

8 - پس از تشکیل پاکستان بتاريخ 14 جون 1947 موضوع عضویت پاکستان در مؤسسه ملل متحد بتاريخ 30 سپتمبر 1947 یعنی سه و نیم ماه بعد از تشکیل دولت پاکستان به رأی گیری گذاشته شد و طی این مدت حکومت جدید پاکستان لازم داشت تا از یک سواز طرف کشورهای دیگر به رسمیت شناخته شود و از سوی شیرازه حکومت جدید را اساس گذارد و تشکیلات اداری، کابینه و دفتر و دیوان آنرا تنظیم نماید. هنگامیکه درخواست شمول پاکستان برای کسب عضویت در ملل متحد بتاريخ به رأی گیری گذاشته شد، نماینده دائمی افغانستان آقای عبدالحسین خان عزیز در ملل متحد یگانه نماینده کشوری بود که در زمینه به دلیل آنکه در این تقسیم برای پشتون ها نقش تصمیم گیری داده نشده بود، رأی منفی داد. با آنکه موصوف زیر فشار کشورهای دیگر مجبور گردید رأی منفی خود برگیرد، اما کار از کار گذشته بود و اینکار بهانه برای مخالف های بعدی پاکستان را با افغانستان بار آورد. در اینجا گمان نمیرود که اینکار در اثر نقش خان عبدالغفار خان و یا زعمای کشور هند

د پانو شمیره: له 2 تر 5

افغان جرمن آنلاین په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټینگه کړئ [maqalat@afghan-german.de](mailto:maqalat@afghan-german.de)

یادونه: دلیکنی د لیکنیزی بنی پازوالي د لیکوال په غاره ده ، هیله من یو خپله لیکنه له رالیرلو مخکې په خیر و لولئ

صورت گرفته باشد و نیز معلوم نیست که عبدالحسین خان عزیز این تصمیم را مبنی بر هدایت حکومت افغانستان اتخاذ نموده بود و یا اینکه تصمیم شخصی خودش بوده است. از آن تاریخ تا حال هیچ مرجعی رسماً به این سؤال پاسخ نداده است، اما چون شاه محمود خان صدراعظم بتاريخ 3 اگست 1947 برای یک سفر رسمی به امریکا رفته و مقارن آن وقت در نیویارک بود، احتمال دارد اینکار با هدایت و یا مشوره او صورت گرفته باشد، در غیر آن بعید به نظر میرسد که عبدالحسین خان خودش همچو تصمیم مهم را اتخاذ کرده باشد.

این یک اشتباه بزرگ بود، زیرا قبلاً حکومت افغانستان میدانست که موضوع را باید از طریق مذاکرات سیاسی با پاکستان حل کند و رأی مخالف به شمولیت پاکستان از طرف افغانستان مسلماً راه مذاکرات سیاسی را دشوار می ساخت و بهانه بدست پاکستان میداد.

9 - واقعیت اینست که افغانستان در موضوع اقوام پشتون ماورای دیورند هیچ وسیله دیگر در دست نداشت تا در برابر تصمیم برتانیه و جانشین ساختن پاکستان بجای آن کشور و سپردن امتیازاتی مکتسبه که از طریق فشار و تحمیل معاهدات قبلی یک قسمت خاک افغانستان را تصاحب کرده بود، اقداماتی بعمل می آورد. یگانه راه موجود همانا تأکید بر سرموضوع حق خود ارادیت و تعیین سرنوشت و داشتن اتونومی برای اقوام پشتون آنطرف خط دیورند از طریق دیپلماسی بود که متأسفانه این تماس با حکومت برتانیه با جواب رد و به ناکامی مواجه گردید. وقتی حکومت برتانیه حل مشکلات را در زمینه ادعای های افغانستان به حکومت پاکستان محول کرد، حکومت پاکستان نیز عین دلیل انگلیس ها را مبتنی بر قرارداد 1921 و 1923 ارائه کرد و بحث در آن باره را با افغانستان منتفی دانست. لذا حکومت شاه محمود خان و نیز نماینده خاص آن داکتر نجیب الله خان توروبانا که با صلاحیت های مشخص بتاريخ 10 نوامبر 1947 جهت مذاکرات رسمی به پاکستان اعزام گردید که نتایج ملموس از آن بدست نیامد، بلکه حکومت پاکستان فشار های وراده را بر پشتونها و بلوچ افزودند که با اعتراض حکومت افغانستان مواجه گردید.

10 - عبدالرؤف بینوا در یک مقال تحت عنوان "نظری به پشتونستان" که در همان سالهای پرهیجان یعنی 1329 در سالنامه کابل به نشر سپرد در باره عکس العمل پشتونهای ماورای سرحد در برابر ریفراندم چنین می نویسد: « در اثر این ریفراندم اجباری بود که تمام پشتونها چه در افغانستان و چه در قبایل آزاد و چه آنطرف خط فرضی دیورند عدم رضائیت خود را اظهار داشتند و عزم کردند بهر قیمتی که شود پشتونستان آزاد را تشکیل نمایند. درمقابل این عزم پشتونها، حکومت پاکستان اقدامات بسیار ظالمانه نمود؛ اکثر پشتونهای آنطرف خط دیورند را بدون محاکمه بزدان بردند، مثلاً تنها از حزب خدائی خدمتگار دوزاده هزار نفر را در زندان نگهداشتند. همچنین از حزب وطن بلوچستان هزارها نفر را از حقوق مدنی محروم و در زندان انداختند، بر خانه های قبایل آزاد بمباری کردند و مردم بیگناه را کشتند. درمقابل این اقدام ظالمانه حکومت پاکستان پشتونهای قبایل آزاد به تدویر جرگه ها و مشوره های ملی پرداختند. برای بار اول بتاريخ 30 حمل 1328 (19 اپریل 1949) بیرق سرخ پشتونستان در تیرا درجای حاجی عبدالحکیم خان غازی افراشته شد، در وقت بلند شدن بیرق هزاران نفر از علما، روحانیون و بزرگان پشتونهای تیرا حاضر بودند و باین بیرق سلام کردند و صدا های بلند گفتند: "پاینده باد پشتونستان آزاد و نابود باد دشمنان آزادی پشتونها!". سپس در تمام قبایل آزاد بیرق های پشتونستان بلند گردید، حتی در داخل پاکستان در کوپته بلوچستان نیز بیرق سرخ

پشتونستان از طرف پشتونهای آنجا برافراشته شد و دعوای حقوق حقه خود را نمودند، مگر از طرف حکومت پاکستان آن پشتونهای آزادیخواه دستگیر گردیده بزدان سپرده شدند.»

بینوا می افزاید: «بتاریخ 9 سنبله 1328 (اول سپتمبر 1949) اولین جرگه بزرگ تمام قبایل آزاد فیصله و تصویب کردند که: 1 - تمام قبایل آزاد عهد و سوگند میکنند که بین خود اتفاق کامل داشته باشند و تمام کارهای قومی را بمشوره یکدیگر اجراء کنند؛ 2 - قبایل آزاد خود را مکلف میدانند با پشتونهای هر حصه پشتونستان ارتباط خود را قائم کنند و در خیر و شر با آنها خود را شریک دانند؛ 3 - تمام قبایل آزاد فرض خود میدانند که آزادی کامل پشتونستان را حاصل کنند و در مقابل تجاوز خارجی باتفاق کامل ایستاده شوند و آنرا دفع نمایند؛ 4 - باید یک جرگه بزرگتر دیگر از تمام باشندگان پشتونستان در روزهای نزدیک منعقد شود و در آن تمام مسائل مربوط به پشتونستان را حل نمایند.»

بینوا علاوه میکند که: بتاریخ 28 میزان 1328 اولین اسامبله ملی پشتونستان و شورای محلی تیرا بنام "دپشتونستان د تیرا خانگه" تشکیل گردید و اولین اعلامیه خود را بنام تمام پشتونها و بنام ملت و حکومت افغانستان و بنام ملل اسلامی و بنام مؤسسه ملل متحد نشر کردند. بعد از آن قوم شینوار و دیگر اقوام خیبر نیز شورای محلی خود را ساختند و بعد از تعیین وکلاء الحاق خود را به "تیرا خانگه" اعلان نمودند. همچنان اقوام سالارزی جرگه نمودند و شورای محلی "باجور خانگه" را تأسیس کردند. از 21 تا 25 جدی 1328 (11 تا 15 جنوری 1950) در وزیرستان اولین جرگه عمومی و مهم قبایل مومند، صافی آزاد، چارسنگ، شموزائی، افریدی، اورکزائی، شینوار، لوارگی، شلمان، وزیر، مسعود (محسود) در "چهار سده" دائر گردید و آنها معاهده مهم اتحاد ملی و تشکیل پشتونستان را اعلام نمودند. در این جلسه میرزا علی خان مشهور به "فقیر ایپی" را به حیث رئیس حکومت محلی "د پشتونستان د وزیرستان خانگه" به اتفاق آراء انتخاب کردند و موصوف مشی خود را طی سه ماده چنین بیان کرد:

«سر از روز 15 جنوری 1950 (25 جدی 1328) تمام امور اداری، سیاسی، تعلیمی و لشکری حکومت محلی وزیرستان مطابق پروگرام ذیل اجراء میشود:

یک - از حکومت پاکستان مطالبه میکنیم که تمامیت و استقلال پشتونستان خاک هفت ملیون افغان را از راه صلاح و امن اعتراف کند و از امروز تمام مامورین و ایجنت های ملکی و لشکری خود را امر کند به صورت فوری از تمام نقاط پشتونستان بیرون روند. اگر چنین نکنند، مسئولیت عواقب وخیمی که در اثر این لجاجت حکومت پاکستان واقع شدنی است، هم نزد خدا و هم نزد مؤسسه ملل متحد بدوش حکومت پاکستان خواهد بود.

دو - چون وسایل نشراتی ما ناقص است، لذا از دولت برادر خود افغانستان که همواره با پشتونستان همدردی صمیمی دارند، خواهش داریم اطلاعات و پروگرام ما را مربوط به پشتونستان درجراید و رادیوی افغانستان نشر کنند. [به این اساس پروگرام "دا پشتونستان زمونر" از طریق رادیو کابل (بعداً رادیو افغانستان) به نشرات آغاز کرد. بعضی ها فکر میکنند که شعار "دا پشتونستان زمونر" ادعای افغانستان را معنی میدهد، درحالیکه چنین نبود بلکه آواز و ندای مردم پشتونستان را بیان میکرد - کاظم]

د پانو شمیره: له 4 تر 5

افغان جرمن آنلاین په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټینګه کړئ [maqalat@afghan-german.de](mailto:maqalat@afghan-german.de)  
یادونه: دلیکني د لیکنيزي بني پازوالي د لیکوال په غاړه ده ، هیله من یو خپله لیکنه له رالیرلو مخکي په خیر و لولۍ

سه - از مؤسسه ملل متحد و مراکز عدالت پسند دنیا خواهش میکنیم پشتونستان را بحیث یک مملکت آزاد و یک عضو حساس خود بشناسد و حکومت پاکستان را مجبور سازند تا به تمامیت و آزادی خاک پشتونستان اعتراف کند.» (برای شرح مزید در این باره دیده شود: مقاله عبدالرؤف بینوا تحت عنوان "نظری به پشتونستان"، منتشره سالنامه کابل سال 1329، صفحه 326 تا 332)

11 - با وقوع رویدادهای فوق معضله پشتونستان در دوره صدارت شاه محمود خان بسیار حاد شد، بخصوص بعد از وفات محمدعلی جناح قاید اعظم پاکستان در ماه حوت 1328 (مارچ 1949 م) روابط بین دو کشور روبه تیره گی گذاشت، آنهم به دلیل اینکه برخلاف تفاهم قبلی که جناح با نماینده خاص حکومت افغانستان نجیب الله خان توریانا در کراچی بعمل آورده و وعده داده بود که موضوع پشتونستان را از طریق پارلمان آن کشور حل خواهد کرد، حکومت پاکستان اعلان کرد که قبایل آزاد ماورای خط دیورند جزء لاینفک پاکستان میباشد. این اعلان که نقض صریح وعده جناح بود، باعث شد تا مناسبات بین افغانستان و پاکستان بهم بخورد و افغانستان سفیر خود مارشال شاه ولیخان را برسم اعتراض از کراچی پس بخواهد. این رویداد ها بر روابط بین دو کشور اثر ناگوار بار آورد که به حیث یک میراث پر جنجال به حکومت های بعدی انتقال کرد. (برای شرح مزید دیده شود: کاظم، داکتر سید عبدالله: "رویدادهای عمده در دوره صدارت شاه محمود خان غازی"، چاپ کالیفورنیا، جنوری 2020، فصل بیستم "معضله پشتونستان" از صفحه 302 تا 349)

امید است با این شرح مختصر به سوال مطروحه جناب محترم آقای جلال کابلی پرداخته شده باشد.